

## تنبيه بدنى كودكان در آموزه هاى فقهى، قوانين داخلى و اسناد بين المللى

دكتر جمال بيگى<sup>۱</sup>

توحيد غلامى تازه قلعه<sup>۲</sup>

### چكیده

تنبيه بدنى كودكان به عنوان پديده‌اى تاريخى كه اشكال گوناگون آن از ديرباز در تمامى جوامع و فرهنگ هاى مختلف وجود داشته، متأسفانه هنوز هم جلوه هاى از آن در برخى جوامع از جمله برخى از مناطق كشور ما امرى رايج و متداول است. برخى از منابع روايى و قانونى با تفكيك ميان تنبيه بدنى كودكان موضوعى را اتخاذ مى نمايند كه در آن برخى از اقسام تنبيه بدنى كودكان تجويز گرديده و برخى تلاش كرده‌اند تا ممنوعيت تنبيه كودكان را به عنوان پديده‌ى ضدحقوق بشرى زيرسئوال برند و آن را به طوركلى يا جزئى انكار نمايند. اين درحالى است كه در نظام بين المللى حقوق بشر مدت‌هاست كه تنبيه بدنى كودكان تحت عناوينى نظير نقض حقوق كودك، خشونت عليه كودكان و نقض حقوق بشر منع و محكوم مى‌شود. در اين مقاله سعى شده است پس از تبين اجمالى مفاهيم كودك آزارى جسمى و تنبيه بدنى، به جايگاه اين موضوع در آموزه‌هاى روايى، قانونى و اسناد بين المللى پرداخته شود تا با شناسايى حدود و ثغور ضرورت و شرايط تنبيه بدنى كودكان در راستاى پيشگيرى از آثار و پيامدهاى منفي آن، راهبردهاى تربيتى را جايگزين آن نماييم. چراكه با اتخاذ روش‌هاى جايگزين تنبيه بدنى مى‌توان رشد و بالندگى شخصيتى كودك را در جامعه تضمين نمود. كليدواژه: كودك، تنبيه بدنى، راهبردهاى تربيتى، آموزه‌هاى روايى؛ قانونى و اسناد بين المللى.

### مقدمه

كودكان زيباترين شكوفه‌هاى هستى‌اند كه خداوند متعال به انسان‌ها مرحمت مى‌كند، اما امروزه يكي از بزرگ‌ترين معضل هاى جوامع انساني ناسپاسى در برابر اين نعمت بى‌منت الهى است. چراكه كودك

۱- عضويات علمى دانشگاه آزاد اسلامى واحد مراغه

۲- كارشناس ارشد حقوق بين الملل دانشگاه آزاد اسلامى واحد مراغه

آزاری از جرایمی است که قلب هر انسانی را می‌آزارد! متأسفانه گاه بی توجهی جوامع منجر به جنایاتی علیه کودکان معصوم و بی پناه می‌شود که عمق وجود شنوندگان را آتش می‌زند. البته عوامل متعددی دست به دست هم داده‌اند تا ما روز به روز شاهد افزایش جلوه‌هایی از کودک آزادی در برخی از کشورها از جمله ایران باشیم. آمار تنبیه بدنی کودکان هشداردهنده است. طبق آماری که هرساله ارائه میشود، صدها هزار کودک توسط والدین یا خویشاوندان نزدیک، به شدت مورد تنبیه قرار گرفته و حتی هزاران نفر از آنان جان خود را بر اثر وخامت و شدت جراحات وارده از دست میدهند و آن تعدادی هم که زنده می‌مانند و پس از مدتی از نظر جسمی بهبود می‌یابند، ضربه‌های شدید روحی و روانی می‌بینند. (شمیم، تنبیه بدنی و سوء رفتار با کودکان) به هر حال کمتر خانواده و مدرسه ای می‌توان پیدا کرد که برای بر کرسی نشاندن مقاصد خویش و حکومت بر کودکان و بهره‌کشی از آنان، فرمول آزار و ضرب و شتم را مورد استفاده قرار ندهند. (بهشتی، اسلام و حقوق کودک؛ پژوهشی درباره حقوق طفل از دیدگاه اسلام و اعلامیه حقوق کودک، ص ۱۹۰) از این رو ضروری است تا به بررسی و تحقیق بیشتری پیرامون این پدیده شوم پرداخته شود. در این نوشته، مادرصد بررسی منابع فقهی و حقوقی مرتبط با تنبیه بدنی کودکان هستیم با این امید که گامی در جهت التیام درد کودکانی باشد که جز گریه راه دفاعی ندارند.

در حقوق اسلام با توجه به این که حیات انسان ادامه دارد و دنیا مقصد نمی‌باشد، حقوق جسمی، روحی و معنوی انسان به صورت مبسوط طرح و بحث شده است و از جمله مباحث آن حقوق کودک درآموزه‌های فقهی یعنی جبهه گیری قرآن و ائمه (ع) در مورد حقوق جسمی، روحی و فکری کودک می‌باشد. وانگهی، با تتبع در منابع مختلف روایی و حتی قانونی قدر متیقن این که تنبیه بدنی کودکان با چالش اساسی مواجه بوده که در مباحث آتی پس از تبیین اجمالی مفاهیم کودک آزاری جسمی و تنبیه بدنی، حدود و ثغور نقض این حق بنیادین کودکان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱- مفاهیم کودک، کودک آزاری جسمی و تنبیه بدنی

برای تبیین بهتر جایگاه تنبیه بدنی کودکان در آموزه‌های روایی، قانونی و اسناد بین‌المللی و تعیین ضرورت و شرایط پذیرش استثنایی آن، اشاره‌ی مختصری به مفاهیم کودک، کودک آزاری جسمی و تنبیه بدنی می‌نماییم.

## ۱-۱- کودک

تبصره ی ۱ ماده ی ۱۲۱۰ اصلاحی مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ قانون مدنی، تمایز کودکان با اشخاص بالغ را مطرح نموده است. به این صورت که با الهام از فقه امامیه بدون آن که اشاره ای به انتهای صغر کودکان نموده باشد، صرفاً سن بلوغ را که در واقع ملاک مکلف شدن اشخاص به اعمال عبادی بوده، به اعمال حقوقی نیز تسری داده است. البته ملاک بلوغ در اعمال مالی افراد به رشد آن ها نیز موکول گردیده است. بدین ترتیب قانون مدنی به تبعیت از فقه امامیه به جای استعمال واژه ی کودک برای اشخاص نابالغ از کلمه ی صغیر استفاده نموده که بهتر است در بازنگری های بعدی این قانون، متناسب با معادل فارسی آن استعمال شود تا برای افراد عامه ی جامعه نیز قابلیت فهم راحتی داشته باشد. در این میان با توجه به آزادی ادیان و مذاهب در ایران و با توجه به تشتت آراء فقهای امامیه و به ویژه عامه در خصوص سن بلوغ، تعیین سن ۱۵ سال تمام قمری برای پسران و ۹ سال تمام قمری برای دختران بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه بارویکردهای علمی و عینی حاکم بر اکثریت کودکان ایرانی چندان سازگار نمی باشد. چرا که در فقه عامه نیز درباره ی سن بلوغ اتفاق نظر وجود ندارد. زیرا شافعیان و حنبلیان سن بلوغ را در دختر و پسر ۱۵ سال تمام قمری میدانند. مالکیان ۱۷ سال و خود مالک ۱۵ سال در دختر و پسر، حنفیان ۱۸ سال در پسر و ۱۷ سال در دختر را ملاک بلوغ قرار داده اند. (صفائی و امامی، مختصر حقوق خانواده، ص ۲۰۹)

مقنن کیفری نیز هر چند به شرح تبصره ی ۱ ماده ی ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و تبصره ی ۱ ماده ی ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، معیار تعیین مسئولیت کیفری را رسیدن به حد بلوغ شرعی تعیین نموده است. لیکن از فحوای این مواد چنین مستفاد می شود که مقنن ما سن بلوغ شرعی را به عنوان اماره ی قانونی برای مسئولیت کیفری هم پذیرفته است. (ایروانیان و همکاران، کودک آزاری؛ از علت شناسی تا پاسخ دهی، ص ۱۹۷)

با توجه به اهمیتی که در تعیین مرز میان بزرگسالی و کودکی در حوزه ی حقوق وجود دارد و با عنایت به پذیرش اصل حمایت ویژه از کودکان در حقوق، نوع رویکرد قانونگذاران در تعریف کودک، آثار و تبعات مثبت و منفی زیادی را می تواند به دنبال داشته باشد. چرا که در تعیین سن طفولیت در حوزه ی حقوق کیفری از بعد مسئولیت کیفری و در حقوق مدنی از بعد مسئولیت مدنی می تواند مؤثر واقع شود. هم چنین با تعیین «سن کودکی» از نظر قانونی کودک از حمایت های ویژه و یا بالعکس به پایان رسیدن این حمایت ها تأثیر مستقیم خواهد داشت و در تعیین سن کودکی از واقعیت های اجتماعی، اقلیمی و ورزشی باید بهره جست. علیرغم این که قانونگذار ایرانی به عنوان مثال برابر ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ربودن کودکان زیر ۱۵ سال یا به موجب تبصره ی ۱ ماده ی ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳

قاچاق اشخاص زیر ۱۸ سال را از موارد اشد مجازات اعلام کرده است. (برای مطالعه ی بیش تر ر. ک بیگی، راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تامین امنیت بزه دیدگان و شهود قاچاق انسان، صص ۵۹-۲۵) یا در ماده ی ۷۹ قانون کار به ممنوعیت به کارگیری افراد کم تر از ۱۵ سال اشاره نموده است. یا در قانون خاص دیگری تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» مصوب ۱۳۸۱، اشخاص زیر ۱۸ سال تمام شمسی را به عنوان کودک فرض نموده است. در مقوله ی تعریف کودک بدون آن که حد و مرزی در مورد تعیین سن طفولیت داشته باشد با عدم تعیین سن دقیق دوران طفولیت، به نوعی یکی از راههای سوء استفاده در کودک آزادی را فراهم نموده است. از نظر لغوی صغیر به معنی کوچک و خرد است و در اصطلاح فقهی و حقوقی به شخصی اطلاق می شود که به سن بلوغ نرسیده و کبیر نشده باشد. (بیگی، بزه دیدگی اطفال در حقوق ایران، صص ۵۲-۵۱) بنابراین تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO)<sup>۱</sup>، کودک هر انسان کم تر از ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کم تر تعیین شده باشد. (صیدی، درسوگ زندگی؛ بررسی پدیده کودک آزاری، ص ۸)

مطابق ماده ی ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است. مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم تر تشخیص داده شود. بدین ترتیب به قانونگذاران داخلی اجازه داده شده است تا با توجه به شرایط اقلیمی و دیگر شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص هر جامعه در صورت ضرورت سن کودک را پایین تر قرار دهند. (زینالی، ابعاد حقوقی و جرم شناسی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، ص ۲۹)

از نظر مطالعه ی تطبیقی نیز به عنوان مثال در حقوق انگلستان برابر قانون کودکان ۱۹۸۹، کودک به عنوان فرد زیر ۱۸ سال تعریف شده است، هرچند که حقوق کیفری فقط افراد زیر ۱۶ سال را مشمول حمایت های ویژه خود قرار می دهد. (مهر، رویکرد جامعه شناختی و حقوقی به پدیده کودک آزاری، ص ۲۵۵)

## ۱-۲- کودک آزاری جسمی

در اصطلاح هرگونه آسیب جسمی یا روانی، سوء استفاده ی جنسی یا بهره کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودکان توسط افراد دیگر، کودک آزاری<sup>۲</sup> تلقی می شود. البته کودک آزاری در دو سطح نظری و عملی بررسی می شود که در مفهوم نظری «کودک آزاری عبارتست از هرگونه رفتاری که به

---

1- World Health organization.

2- Child abuse

تمامیت جسمانی، روانی، رشد فردی و اجتماعی و یا شان انسانی کودک، لطمه ای را وارد آورد». (ایروانیان و همکاران، پیشین، ص ۵۵)

هم چنین کودک آزاری در اصطلاح متخصصان امر به هر گونه رفتاری که مشتمل بر آزار جسمی یا سوء استفاده جنسی یا بی توجهی به کودک و نیازهای اساسی افراد و آزار عاطفی باشد، اطلاق می گردد.

البته به نظر می رسد که این تعریف از دیدگاه گونه شناسی کودک آزاری مورد بررسی قرار گرفته و فاقد ماهیت تعریف کودک آزاری می باشد. باید در نظر داشت که کودک آزاری یک امر نسبی است، بدین معنی که با توجه به فرهنگ و باورهای هر منطقه، تلقی متفاوتی از آن می شود. چه بسا رفتاری در یک جامعه، مصداق کودک آزاری محسوب شده و جرم به حساب آید، ولی در جامعه دیگری یک امر عادی محسوب شود. (فهرستی ونظری خاکشور، بررسی پدیده کودک آزاری از ابعاد حقوقی و ضرورت بازنگری، صص ۱۱۷-۱۱۶)

عنصر اصلی در کودک آزاری، کودک است و وجود کودک بزه دیده برای تحقق کودک آزاری ضروری است. کودک آزاری از دو کلمه ی «کودک» و «آزار» تشکیل شده است که قبلا به تفصیل به توضیح اصطلاح کودک پرداختیم و در این جا به توضیح واژه ی آزار می پردازیم که عبارت از نوعی آسیب می باشد که ناشی از رفتار و برخورد ظالمانه است. (طارمی، جرم شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری) واژه ی آزار فقط یک عمل واحد را در بر نمی گیرد، بلکه موارد متعددی از رفتارها را شامل می شود. در مورد یک بخش این رفتارها اختلاف نظر کمتری وجود دارد. زیرا همگان به آزار بودن این رفتارها از قبیل ضرب و جرح فیزیکی و تجاوز جنسی اذعان دارند. کم تر کسی به لحاظ وضوح آزار در مورد خصیصه ی اذیت و آزار این اعمال تردید دارد و از سوی دیگر موارد مشابهی وجود دارد که صراحت و وضوح قبلی در مورد آزار بودن آنها وجود ندارد و تمایز میان رفتارهای پسندیده و پذیرفتنی و رفتارهایی که آزار تلقی می شوند رفته رفته دشوارتر می شود. مثلا در تعیین مصادیق تنبیه بدنی کودک (به عنوان شیوه و راهی برای پرورش و تادیب او و یک رفتار پذیرفتنی) و ضرب و جرح کودک (به عنوان یکی از مصادیق آزار) دشوار می گردد و این سؤال مطرح می شود که با توجه به مثال مذکور عنصر مادی اذیت و آزار با عنصر مادی یک عمل غیر آن، مشابه است، ملاک تعیین یک عمل به عنوان اذیت و آزار چیست؟

در پاسخ به این پرسش دو دیدگاه در تعریف کودک آزاری وجود دارد که بر مبنای تعریف موسع از کودک آزاری، تعداد کودکانی که با عنوان «آزار دیده» دسته بندی میشوند به نحو قابل توجهی زیاد خواهد شد و بر پایه ی تعریف مضیق از کودک آزاری که موجب کاهش اذیت و آزار کودکان آزار دیده

می‌شود و باعث می‌شود تا بسیاری از کودکان از حمایت کیفری محروم شوند و در معرض خطر بزه دیدگی مجدد و بزهکاری در آینده قرار گیرند. (مهرا، پیشین، صص ۲۵۸-۲۵۷)

اگر بخواهیم به کودک آزاری نگرشی عملی و دربستر سیاست‌های جاری تاملی داشته باشیم می‌توان این گونه بیان داشت که کودک آزاری تمام اشکال سوء رفتار با کودکان از جمله تنبیه بدنی را نیز در بر گرفته که منجر به ایراد آسیب‌های بالفعل یا بالقوه بر سلامتی، بقاء، رشد یا مقام و منزلت کودک می‌شود و درحیطه یک رابطه‌ی مسئولیت، اعتماد و یا اعمال اختیارات فرد صورت می‌پذیرد. (ایروانیان و همکاران، پیشین، ص ۵۹)

بر مبنای دیدگاه ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی، کودک آزاری به یکی از اشکال ذیل قابل تحقق می‌باشد:

۱. کودک آزاری جسمی<sup>۱</sup>، ۲. کودک آزاری عاطفی<sup>۲</sup>، ۳. کودک آزاری جنسی<sup>۳</sup>، ۴. کودک آزاری مبتنی بر غفلت و بی‌مبالاتی<sup>۴</sup>.

در مجموع علل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به بروز کودک آزاری منتهی به تنبیه بدنی کودکان منجر خواهد شد و بر این مبنا تعریف کودک آزاری جسمی تحت تاثیر قوانین و مقررات و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه قرار دارد.

کودک آزاری جسمی، عبارت از حمله‌ی فیزیکی به کودک است، به گونه‌ای که موجب درد، بریدگی، کبودی، شکستگی استخوان و سایر جراحات و حتی مرگ گردد. (قرائی، یک آیه و چند نکته؛ اذیت و آزار کودک از دیدگاه اسلام، ص ۱۶) باین وصف آزار جسمی کودک، منتهی به آسیب جسمی بالفعل یا بالقوه‌ی وی می‌گردد. این رفتار درحیطه‌ی رابطه‌ی مسئولیت، اعتماد و یا اعمال اختیارات فرد صورت می‌پذیرد. در این تعریف این گونه به نظر می‌رسد که اغلب تنبیه بدنی کودکان بیشتر توسط افرادی که اختیار و یا مسئولیت نگهداری کودک را برعهده دارند و کودک نسبت به آن‌ها اعتماد دارد صورت می‌گیرد. رفتارهای کودک آزاری جسمی از جمله تنبیه بدنی کودکان به صورت عمدی و با سوء نیت خاص ورود صدمه به کودک و یا در نتیجه‌ی اعمال تربیتی و تادیبی والدین که به منظور تنبیه کودک صورت می‌پذیرد، واقع می‌شود.

#### ۱-۳- تنبیه بدنی

1- Physical child abuse.

2- Affective child abuse.

3- Sexual child abuse.

4- Neglect.

تنبیه در لغت به معنی آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و هوشیار کردن آمده است. در اصطلاح به عملی گفته می شود که لازمه ی آن آگاه و هوشیار کردن باشد (اکبری، نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام) که معنای لغوی و عام تنبیه می باشد. در معنای خاص نیز تنبیه عبارت از انجام کار نامطلوب توسط کودک بوده که ما در مقابل کار نادرست او، رفتاری انجام می دهیم که برای او نامطلوب است و لذا تنبیه در معنای اخص همان تنبیه بدنی می باشد. (داودی، نشست علمی جایگاه تشویق و تنبیه کودک و نوجوان) در اصطلاح فقهاء نیز تنبیه مترادف تادیب به کار رفته است و آن مجازات سبکی است که اسلام برای اعمال ناشایسته ی کسانی که به حد تکلیف شرعی نرسیده اند در نظر گرفته است. (وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، ص ۳۲۱)

با در نظر گرفتن هدف درونی و حالات روانی تنبیه کننده، تنبیه ممکن است به چهار صورت و یا چهار نوع انجام گیرد: تنبیه انتقامی، تنبیه بازدارنده یا تنبیه به منظور منع و نهی کودک از ارتکاب خلاف، تنبیه به منظور اندرز دیگران و عبرت آموزی ناظران تنبیه و تنبیه اصلاحی که از تشویق و مدارا و رفق و ملاحظت استفاده نموده و در صورت عدم تاثیر گذاری به تدریج از تنبیه زبانی به بدنی به کار گرفته شود و باید همه ی مراحل آن، به مورد و بجا و با شرایطی معین اعمال گردد. (حجتی، شرایط و کارایی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان، صص ۴۸ و ۴۹)

برخی از مصادیق تنبیه بدنی کودکان عبارتند از: شلاق زدن، لگد زدن، سوزاندن، پرت کردن و هل دادن، خفه کردن، گاز گرفتن و شکستگی، کبودی، بریدگی و سایر جراحات. آزار جسمی حتی ممکن است به سلب حیات از کودک و یا معلولیت و نقص عضو دائمی وی منجر گردد. (ایروانیان و همکاران، پیشین، ص ۶۲)

کودک تحت تنبیه قرار گرفته، از خود علایم و نشانه هایی نظیر ترس از پدر و مادر نشان می دهد. کما این که کودکانی که مورد تنبیه بدنی قرار می گیرند ممکن است دارای رفتار تهاجمی، افسرده، مضطرب، عدم اعتماد به نفس، پرخاشگری، رفتارهای مخرب، اعتیاد به مواد مخدر، اختلال های جسمی، روحی و روانی، کناره گیری، افت تحصیلی باشند. (صیدی، پیشین، صص ۲۳-۲۲)

## ۲- جایگاه تنبیه بدنی کودکان در آموزه های روایی، قانونی و اسناد بین المللی

خشونت و آزار و به طور کلی به کارگیری روش هایی که به ضرر جسمی و مالی دیگران منجر می شود، به خصوص در رابطه با مسائل تربیتی کودکانی که خداوند به آنان شخصیت و کرامت عطا فرموده از نظر اسلام ممنوع است که مقنن ما نیز تحت تاثیر منابع روایی و اسناد بین المللی، ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان را به عنوان اصل مدنظر قرار داده است.

## ۱-۲- تنبیه بدنی کودکان در روایات اسلامی

از دیدگاه قرآن ظلم و ستم و آزار رساندن به دیگران محکوم است و لذا بایستی به هر وسیله‌ای جلوی آن گرفته شود. (سوره آل عمران، آیه ۱۰۸) امامان معصوم علیهم السلام نه تنها با کودکان با رأفت و نرمی رفتار میکردند، بلکه با غلامان خود نیز خوشرفتار و نرم خوی بوده‌اند. (طبری، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام) در روایات و احادیث فراوانی شکنجه و آزار رساندن به مردم نهی و وعده‌ی عذاب خداوند به ضارب و عامل آن داده شده است که در این باره به نقل حدیثی از امام صادق (ع) می‌پردازیم که می‌فرماید: اگر کسی دیگری را تازیانه بزند خداوند او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد. (به نقل از موسوی بجنوردی، کودک آزاری، ص ۱۳)

روایاتی را که در باب تنبیه (به طور عام) آمده می‌توان از سه جنبه مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱. روایاتی که اذیت و ایذاء غیر را مورد نکوهش، مذمت و تحریم قرار داده‌اند؛ تنبیه کودک نیز در واقع نوعی اذیت و اضرار به غیر محسوب می‌شود. لذا استفاده از این روش صحیح نبوده و جایز نمی‌باشد. روایات وارده در این باب مبین این هستند که چون ضرب، ظلم و اذیت غیر و تنبیه بدنی و مطلقاً هر نوع ایذایی ظلم محسوب می‌گردد، حرام است. بنابراین تادیب و تنبیه کودکان و متریبان در غیر مواد نص، شرعاً جایز نیست. (حسنی، تنبیه از منظر روایی، فقهی و روان‌شناسی) تنبیه بدنی بدون قصد تربیت، مصداق ظلم خواهد بود که از نظر عقل و عقلا، ظلم قبیح بوده و ظالم استحقاق ذم و عقاب خواهد داشت. بنا بر این اگر تنبیه‌کننده قصدی غیر از تربیت و تادیب داشته باشد، عمل وی مصداق ظلم بوده و حرام است. از این رو تنبیه بدنی در حالت غضب و ناراحتی در صورتی جایز است که شخص کاملاً بر خود مسلط باشد و تنبیه بدنی را به قصد تربیت و تادیب انجام دهد. در این میان علاوه بر این که مرز میان تنبیه جایز و تنبیه حرام کاملاً باید ملاحظه شود. در مورد سن کودک تنبیه شونده نیز باید وضعیت مشخص شود. چرا که در فرضی تنبیه بدنی با هدف تربیت و تادیب جایز است که کودک در سنی باشد که تنبیه بدنی روی او اثر تربیتی داشته باشد و لذا اگر در سن خیلی پایینی باشد که تنبیه بدنی بر روی او اثر نداشته باشد، این عمل جایز نخواهد بود. از این رو با توجه به تاثیر تربیتی تنبیه بدنی، کودک باید در سنی باشد که قابلیت تشخیص و تربیت شدن را داشته باشد. بر همین اساس در روایات اسلامی به والدین توصیه شده است که تربیت و تادیب کودکان را از هفت سالگی آغاز نمایند. (آهنگران، محدوده مجاز تنبیه بدنی کودکان از منظر روایات اهل بیت)

۲. روایاتی که در باب اکرام و محبت به کودکان و متریبان می‌باشد؛ به طور کلی در آن‌ها توصیه شده که در ارتباط با غیر به رفق و مدارا عمل نمایند و از هر نوع خشونت و تندگی، به ویژه در برخورد با کودکان پرهیز کنند. از بررسی روایات این دسته هم برداشت می‌شود که اکرام، محبت، رفق، مدارا و

ارزش قائل شدن به کودکان باید جزء اصول تربیتی باشد. عفو، رحم و اغماض از خطای کودکان و متریبان در تربیت، مقدم بر سایر روش‌هاست، اما اگر با این روش‌ها غرض حاصل نشد، باید از تادیب و تنبیه در حد متعارف استفاده کرد.

۳. دسته سوم روایاتی هستند که در آنها به تنبیه و تادیب کودک و متربی تصریح شده است؛ این روایات در کتاب کافی مرحوم کلینی تحت عنوان «تأدیب الولد» ذکر شده است و در منابع روایی و فقهی معتبر دیگری نیز این گونه تصریح گردیده است که روش اصلی و اولیه در تربیت اطفال و متریبان همان روش‌های مطلوب و انسانی است و به کارگیری روش تنبیه در مواردی جایز است که منصوص باشد و از راه محبت و رحمت نتوان به هدف اصلی که همان اصلاح رفتار و تربیت کودک است، رسید و تنبیه اثر اصلاحی و تربیتی دارد و اگر هم در تمام موارد اثر مطلوب نداشته باشد، دست کم عامل بازدارنده خواهد بود. (وزیری، پیشین، ص ۳۳۱)

در زمینه‌ی تنبیه بدنی کودکان نیز به طور خاص سه دسته روایت از ائمه معصومین (ع) وارد شده است: دسته اول روایاتی است که اجازه ی تنبیه کودک را به حاکم می‌دهد تا در برابر گناهانی که کودک انجام می‌دهد مانند سرقت، زنا، لواط و... او را تنبیه و یا تعزیر کند. به دلیل اینکه این دسته از روایات در مورد حقوق کیفری است و تحقق آن به دست قاضی است و با بحث ما یعنی تنبیه کودک به عنوان یک فعل حرام بیگانه است، از بحث درباره‌ی آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

دسته دوم روایاتی است که تنبیه کودک را در جهت تربیت و تادیب او برای پدر و معلم جایز می‌شمارند. از جمله این روایات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱) اسحاق بن عمار می‌گوید به امام صادق (ع) گفتم گاهی من غلام خود را به خاطر خلافی که مرتکبمی‌شودمی‌زنم. امام پرسید چقدر او را می‌زنی؟ گفتم چه بسا صد تا او را می‌زنم. امام فرمود: صد تا! صد تا! و این را دو بار تکرار کرد. سپس فرمود: حد زنا را می‌زنی؟ از خدا بترس. به او گفتم فدایت شوم پس چه قدر جایز است بزنی؟ امام فرمود: یکی. گفتم به خدا قسم اگر او بداند که بیش از یکی او را نمی‌زنم همه چیز را از بین می‌برد. امام فرمود: پس دو تا بزنی. گفتم اگر چنین باشد هلاک خواهم شد. اسحاق می‌گوید باز هم با امام چانه زدم تا او به پنج تا راضی شد. سپس ناراحت شد و فرمود: ای اسحاق اگر حد جرم را می‌دانی آن را اقامه کن و از حدود خدا تجاوز نکن.

۲) حماد بن عثمان می‌گوید از امام صادق (ع) در مورد ادب کودک و عبد پرسیدم امام فرمود: پنج یا شش ضربه و تا می‌توانی مدارا کن.

۳) از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که ادب کودک سه ضربه است و افزون بر آن، روز قیامت قصاص می‌شود.

در این جا تذکر این نکته لازم است که در روایات حکم عبد و کودک دست کم از حیث تنبیه و تادیب یکی است. در روایت دوم نیز از امام راجع به ادب کودک و عبد سؤال شد، امام تفاوتی قائل نشدند و برای هر دو یک پاسخ فرمودند.

دسته سوم روایاتی است که تنبیه کودک را بر ترک نماز جایز می شمارند. به عنوان مثال در حدیثی آمده است که حضرت رسول (ص) فرمودند: نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ده سالگی او را بر ترک نماز تنبیه کنید. (حسینی زاده، تنبیه از دیدگاه اسلامی)

## ۲-۲- تنبیه بدنی کودکان در قوانین داخلی

در اصطلاح حقوقی تربیت به معنای پرورش روحی، اخلاقی و معنوی کودکان استعمال شده است. حال آن که در روایات اسلامی ما از تنبیه بدنی بسیار اجتناب گردیده و تنها در مرحله‌ی آخر که راه‌های دیگر به نتیجه نرسیده باشد با ترتیبات خاصی مجاز اعلام گردیده است. (صفائی و امامی، پیشین، ص ۳۵۲)

مقتن داخلی در ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی به دفع خطر جسمی و اخلاقی کودک که منافات با لازمه‌ی حضانت دارند و کودکان تحت خطر جسمی و روحی قرار دارند تاکید داشته است. (کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۷۰۸) در ماده‌ی ۱۱۷۹ همان قانون، قانونگذار برای نیل به اهداف تربیت اسلامی مقرر نموده است که ابوبین اجازه دارند طفل را تنبیه کنند ولی این تنبیه باید در حدود تادیب و برای تربیت اخلاقی و معنوی و در حدود متعارف باشد. (صفائی و امامی، پیشین، ص ۳۵۳)

با امعان نظر بر بند ۱ ماده‌ی ۵۹ قانون مجازات اسلامی در مورد اقدامات والدین و اولیاء قانونی آنان که به منظور تادیب یا حفاظت آنان انجام می‌شود، مبنای مشروعیت عمل و جرم تلقی نشدن عمل والدین در تنبیه آنان، حکم قانون است که به موجب آن اولیاء حق تنبیه کودک خود را دارند. بنابراین عوامل و حدود حق تنبیه والدین دو مورد است:

۱. به قصد تادیب و محافظت باشد (عامل درونی). ۲. در حد متعارف باشد (عامل بیرونی). (شکری و سیروس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ص ۱۵۱)

همین طور تنبیه بدنی کودک باید غیر شدید و مطابق با سن و حال صغیر بوده و به مواضع خطرناک کودک نباید آسیب جسمی وارد شود و تنبیه بدنی به نحوی صورت گیرد که عرفاً و از نظر عقلی نیز تادیب تلقی گردد، نه این که باعث جرمی گردد که عمل اولیاء و والدین مستوجب دیه گردد. وانگهی، از آن جا که تنبیه کودک در حد متعارف توسط والدین و سرپرستان قانونی در قوانین ایران جرم محسوب نمی‌شود و تنبیه در عرف ایران با توجه به وسعت جغرافیایی و تنوع نژاد و قومیت بسیار متفاوت است، ممکن است اعمال مجازات برای مرتکب منتفی باشد. (عباچی، رهنمودهای حقوق



گذشته، عامل تنبیه های آینده پرورش می یابد. لذا مناسب به نظر می رسد که قانونگذار داخلی باید پس از حلاجی فلسفه ی تنبیه و با عنایت به فلسفه ی تنبیه فرد در آموزه های اسلامی، قوانینی مستحکم وضع نماید. (شکری و سیروس، پیشین، ص ۱۵۲) خوشبختانه پیش نویس لایحه ی حمایت از کودکان و نوجوانان<sup>۱</sup>، ضمن حمایت کیفری موثر از کودکان و نوجوانان بزه دیده برای طیف کودکان و نوجوانان در معرض خطر نیز چاره اندیش نموده است. (موزن زادگان، سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، ص ۳۹)

### ۲-۳- تنبیه بدنی کودکان در اسناد بین المللی

در اسناد بین المللی متعدد جهانی و منطقه ای از جمله ماده ی ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ی ۱۶ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک، به حمایت سرپرستان و والدین کودکان در برابر کلیه اشکال خشونت جسمی و روانی و صدمه یا آزار وارده بر علیه کودکان تاکید شده است.

برخی از اسناد حقوق بشری درکنار توجه به پیش بینی ساز و کارهای حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه دیدگی به صورت کلی و پذیرش مفهوم حمایت کیفری ویژه کودکان، به مصادیق بزه دیدگی نیز پرداخته و ساز و کارهای حمایتی را به نحو دقیق تری پیش بینی کرده اند. (نجفی ابرندآبادی، خالقی وزینالی، حمایت کیفری از کودکان در برابر تورسم جنسی، ازمنع جهانی تا واکنش نظام های کیفری داخلی، ص ۹۵) پاره ای از این اسناد بین المللی که به نوعی ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان را می توان از آن ها برداشت نمود به شرح زیر می باشد:

۱. اعلامیه ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸.
۲. اعلامیه ی جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹.
۳. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹.
۴. منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰.
۵. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰.
۶. مقاله نامه ی سازمان بین المللی کار در خصوص محو بدترین اشکال کار کودک ۱۹۹۹. (برای مطالعه این اسناد ر.ک دیوید انجل، قانون بین المللی حقوق جوانان، ج ۲)

در ماده ی ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، به تعهد دول عضو در جهت حمایت از کودکان در برابر تمامی اشکال خشونت روحی و جسمی تاکید شده است و ماده ی ۳۷ این کنوانسیون به تعهد دولت ها در برابر

---

<sup>۱</sup> - این لایحه پس از ۳ سال بررسی های کارشناسانه شورایی تدوین لوایح و برنامه های معاونت حقوقی و توسعه قضایی و سپس تصویب در جلسه مسئولان عالی قضایی جهت طی فرایند تصویب به دولت ارسال شده است که تا به حال متأسفانه تصویب نگردیده است

حمایت از کودکان در برابر هرگونه آزار جسمی آنان و تنبیه بدنی اشاره کرده است. علاوه بر این کنوانسیون، اسنادی همانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی ۱۹۸۱ در جهت حفظ و حمایت از کرامت انسان باممنوعیت مجازات و رفتارهای غیرانسانی تدوین یافته که می توان آن ها را در راستای ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان نیز به کار گرفت. (ابراهیمی، تنبیه بدنی کودکان) کما این که برخی از گزارشگران ویژه ی حقوق بشر هم در گزارش های خود به ممنوعیت تنبیه بدنی کودکان برپایه ی ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های غیرانسانی، ظالمانه یا تحقیرآمیز تاکید نموده اند

با نگاهی به مواد مرتبط با بحث حاضر در اسناد یاد شده می توان اذعان داشت که باگنجاندن اشکال گوناگون کودک آزاری در قوانین کیفری دول عضو و تعیین مجازات و ضمانت اجرای مناسب در برابر افراد کودک آزار می توان به حمایت از کودکان آزار دیده اقدام نمود. (ایروانیان و همکاران، پیشین، صص ۱۴۹-۱۲۲) امری که مقنن داخلی ما نیز با توجه به مواردی چون اعتیاد والدین به مواد مخدر، ضرورت بازنگری در قوانین مرتبط با پیشگیری از تنبیه بدنی کودکان را باید بیش تر مورد عنایت قرار دهد.

### ۳- ضرورت و شرایط تنبیه بدنی کودکان

تنبیه درست و طبق آداب، روشی است مناسب برای بیدار کردن و هوشیار ساختن و ادب کردن کودکان و برای جدا کردن آن ها از بدی و کجی می باشد. تنبیه و مجازات درست و طبق ضوابط، نقش اساسی در اصلاح فرد و جامعه دارد و علیرغم ظاهر آن، از لطافت و جمالی شگفت برخوردار است و عین رحمت و محبت بوده و باعث پاکی و پاکیزگی فرد و جامعه می شود. تنبیه و مجازات اصالت نداشته و آن چه اصل است رحمت و محبت و گذشت و بخشش است و اساس تربیت بوده و تنبیه و مجازات تبع آن است و خود جلوه ای از دوستی و محبت برای اصلاح و تربیت فرد بوده و بنابراین تا آن جا که ممکن است باید مدارا کرد و از تنبیه پرهیز نمود. (دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، صص ۳۵۸-۳۵۷) به عبارت دیگر، اگر ناروایی نیز از کودکان سر زد و سخنی ناسنجیده از آنان شنیده شد، باید تحمل کرد و روی برآنان ترش نکرد، مگر در مقام تادیب و این روشی است که منسوب پیامبران عالی مقام و معمول رهبران کرام بوده است. (حیدری نراقی، رساله حقوق امام سجاد(ع)، صص ۳۹۸) گرچه برخی ژست دلسوزانه و روان شناسی گرفته و تنبیه را به کل رد می کنند و آن را عامل کینه، عقده، طغیان، ترس و بیماری هایی می دانند. ولی نظر اسلام این است که با این که میلیون ها کودک

تنبیه بدنی شده‌اند، لیکن نه بیمارند و نه نسبت به والدین و اولیاء قانونی خود کینه دارند. (امینی، آیین تربیت، صص ۳۶۹-۳۶۵)

گاهی بر اثر اهمال و بی‌مبالاتی والدین در امر تربیت، کار کودک به جایی کشانده می‌شود که تنبیه امری لازم و غیر قابل اجتناب می‌شود. البته آن‌ها که کودک را کتک می‌زنند، افرادی عقده‌ای و گرفتارند، یا تمام راه‌های اصلاح را روی خود بسته می‌بینند و یا معتقدند که کودک فاسد و منحرف است، در صورتی که طفل ذاتا شرور و فاسد نیست.

طبق نقلی حضرت علی(ع) فرمود: «آن کس را که مدارا اثر ندهد مجازات و تنبیه او را اصلاح خواهد کرد». پس باید اقدام‌های قبل از تنبیه را پیش گرفت و تنها در صورت عدم اثربخشی از تنبیه استفاده کرد. اقدام‌هایی که پیش از تنبیه باید صورت گیرد از این جمله‌اند: تذکر، اخطار، تحکم (با قاطعیت سخن گفتن)، ملامت، قهر، توبیخ، تهدید. در حدیثی دیگر امام رضا (ع) می‌فرماید: «کودک را کتک نزن بلکه با او قهر کن، اما قهر را ادامه مده». (به نقل از یوسفیان ثانی، شیوه تنبیه)

به هر حال شرایطی که در تنبیه کودکان باید مد نظر قرار گیرد عبارتند از:

۱. تنبیه از جرم بیش تر نباشد (متناسب با عمل خطایی باشد). ۲. تنبیه فوق طاق‌ت نباشد.
۳. تنبیه با جرم مناسب باشد. ۴. تحمل رفتار کودک (هر خطا و اشتباهی قابل تنبیه نیست). ۵. مانند یک افسر برخورد نشود. ۶. حیا از پدر و مادر در کودک حفظ و تقویت شود. ۷. کار بد نکوهش شود نه خود کودک. ۸. تنبیه در صورتی باشد که سایر راه‌های تربیتی موثر نگردد. ۹. تنبیه با بدآموزی (مثل فحش) همراه نباشد. ۱۰. تنبیه حساب شده باشد. ۱۱. قدرت و ضعف کودک در نظر گرفته شود. ۱۲. تنبیه مضاعف نباشد (هم شلاق و هم زخم زبان). ۱۳. توقع بیش از توان او نباشد. ۱۴. تنبیه استثنا باشد نه عادت. ۱۵. مورد تنبیه جزئی و مصداقی باشد تا فرزند بفهمد دلیل چیست. (برای مطالعه بیش تر ر.ک وزیری، پیشین، صص ۳۳۶-۳۳۴)

وانگهی باید از تنبیه‌های شدید در برابر خطاهای کوچک یا از تنبیهات گروهی برای اشتباهات فردی، به ویژه تنبیه‌های بدنی، کنایه آمیز و توهین دار خودداری کرد. چون این تنبیه‌ها غالبا در ضمیر و روان متربی کینه و روحیه انتقام جویی ایجاد می‌کند. از تنبیه به عنوان آخرین روش در تغییر رفتار، آن هم به شکل ساده استفاده شود و در روایات اسلامی هم روش اولیه برای برخورد با رفتار نامناسب، مدارا و نرمی است. در صورتی که نرمی سودمند نباشد، تندی و برخورد مناسب با خطا به عنوان داروی تلخ و آخرین راه حل تجویز شده است. (حسنی، پیشین) اگر در تربیت کودک چاره‌ای جز تنبیه بدنی او نیافتیم، ناگزیر باید تا حد امکان از تنبیه بدنی وی اجتناب نموده و در صورت تنبیه بدنی به حداقل ممکن در تنبیه بسنده نموده و شرایط زیر را بایستی حتما رعایت نماییم:

۱) تنبیه در آخرین مرحله باشد. ۲) تنبیه بدنی در حداقل باشد. ۳) تنبیه بدنی با وسیله‌ی بسیار ساده باشد. ۴) تنبیه بدنی تکرار نشود. ۵) تنبیه بدنی در برابر دیگران نشود. ۶) تنبیه بدنی حالت انتقام گرفتن نداشته باشد. ۷) تنبیه بدنی بر کسی که ادب می‌شود قابل توجیه باشد و بدانند چرا تنبیه می‌شود. ۸) تنبیه بدنی به مرکز سرخ شدن یا کبود و سیاه شدن نرسد. ۹) تنبیه بدنی همراه با سوز و محبت و جبران باشد. ۱۰) تنبیه بدنی در کنار تشویق‌ها باشد که هنگام کار نیک از طرف انجام می‌دهد. (همان)

#### ۴- آثار و پیامد های تنبیه بدنی کودکان

برخی از والدین راه چاره را در تربیت فرزندان، تنبیه بدنی می‌دانند، اما همواره به جای تنبیه و اعمال خشونت راه بهتری نظیر تشویق هم می‌توان یافت. چون تنبیه بدنی عوارض متعددی در رفتار و روحیه‌ی کودکان به جای خواهد گذاشت. بسیاری از والدین عمدا دست به تنبیه بدنی نمی‌زنند، معمولا هنگامی این رفتار از بزرگ‌ترها سر می‌زند که کنترل خود را از دست بدهند یا احساس ناامیدی کنند. اکثر والدین حداقل یک بار فرزندشان را تنبیه بدنی کرده‌اند و این‌گونه استدلال می‌کنند که تنبیه بدنی موثر واقع شده است. اما واقعیت این است که اگر تنبیه بدنی موثر باشد فقط در کوتاه مدت تاثیرگذار است.

تحقیقات به عمل آمده توسط مرکز ملی کودکان فقیر در دانشگاه کلمبیا به این نتایج رسیده است که هر چقدر کودک بیش تر تنبیه شود احتمال بروز رفتار پرخاشگرانه در او بیش تر می‌شود و کودکانی که با تنبیه بزرگ شده‌اند کم تر درست و نادرست را از هم تشخیص می‌دهند و در غیاب والدین خود بیش تر از سایر کودکان رفتار نادرست و بی‌ادبانه انجام می‌دهند. (بی نا، این والدین خشن، ص ۲۸) بنابراین مطالعاتی هم که در دانشگاه تولان نیواورلئان صورت گرفته است کودکانی که در سه سالگی مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند از سن پنج سالگی به بعد رفتار تهاجمی از خود نشان می‌دهند. (به نقل از گروه سلامت سیمرغ، آیا تنبیه بدنی کودکان موثر است؟)

اسکینر (روانشناس معروف) بعد از تحقیقات فراوانی که در زمینه‌ی تشویق و تنبیه انجام داد، چنین نتیجه گیری کرد که تنبیه در دراز مدت بی تاثیر است. چنین به نظر می‌رسد که تنبیه صرفا رفتار او را پس میزند و زمانی که دیگر تهدید تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش باز می‌گردد. بنابراین، گرچه تنبیه اغلب خیلی موثر به نظر می‌رسد، در واقع تنها اثری ناپایدار برجای می‌گذارد. (به نقل از قلیزاده کلان، تنبیه بدنی کودکان و راه‌های جایگزین)

تنبیه به معنای کتک زدن اگر به صورت خشونت و غیرعادلانه باشد آثار ناگواری در پی دارد و در رشد کودک موثر نیست، بلکه در مواردی آثار رشد را می‌زداید. این شیوه پیامدهایی از قبیل کینه توزی، احساس حقارت، احساس جرم، دروغ‌گویی، گریز از خانه و مدرسه، نامطلوب شدن رابطه‌ی کودک و

والدین، تزلزل اعتبار و ارزش والدین، ایجاد حالت تنفر، مقاومت و شورش کودک و... دارد. (یوسفیان ثانی، پیشین، ص ۸۴) گاهی این پیامدهای نابهنجار به حدی می‌رسد که کودک از خود نا امید می‌شود، یا در برابر دوستان چنان خجل و ناراحت می‌گردد که دوستی خود را رها می‌کند. منظور این نیست که هرگز تنبیه نباشد بلکه باید بر اساس ضابطه‌ای عادلانه و متناسب با ظرفیت کودک، حتی مبتنی بر احترام باشد.

باید توجه داشت که استفاده از تنبیه جهت تغییر رفتار کودک، گاه پیامدهای ناخوشایند و زیانباری را به دنبال دارد که به برخی از این اثرهای منفی اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از اثرهای منفی تنبیه این است که تنبیه در شخص تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه‌کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می‌کند. افرادی که تنبیه می‌شوند در برابر آن واکنش متقابل نشان می‌دهند و باعث پرخاشگری نسبت به شخص تنبیه‌کننده و دیگران می‌شوند و حتی ممکن است به دلیل مقاومت کردن علاوه بر پرخاشگری، فرار از خانه، انحراف اجتماعی و اخلاقی را به دنبال خود بیاورد.

۲. اثر دوم این است که تنبیه گاه آثار جانبی نامطلوب به بار می‌آورد. ممکن است تنبیه در افرادی به خصوص کودکان سبب ترس، وحشت و اضطراب گردد و تا مدت‌های زیادی دوام یابد و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبیه شدن او حضور دارند تعمیم می‌یابد. مثلاً کودک که توسط معلم تنبیه شده بعداً بر اثر تعمیم، از مدرسه و مربی و مدیر و تمام محیط آموزشی زده می‌شود.

۳. در برخی از موارد ممکن است تنبیه باعث افزایش رفتار نامطلوب شود و شخص تنبیه‌شونده آن را وسیله‌ای برای ابراز وجود بداند. مثلاً دانش‌آموزی که به خاطر رفتار نامطلوبش از بلندگوی مدرسه نامش خوانده می‌شود و یا در تابلوی مدرسه و یا روی تخته سیاه نوشته می‌شود، احساس خود بزرگ‌بینی کند و به دوستان خود هم بگوید بین اسم من را می‌خوانند! یا ممکن است معلم دانش‌آموز را به خاطر رفتار ناپسندش از کلاس بیرون کند، او هم به حیاط مدرسه برود و بازی کند. پس او تقویت می‌شود و این نگرش در او به وجود می‌آید که برای بازی کردن باید رفتار ناپسند از خود نشان دهد.

۴. در غیاب عوامل تنبیه‌کننده، وقتی که عامل تنبیه‌کننده نباشد، ممکن است رفتارهای نامطلوب دوباره بروز کند. مثلاً به محض اینکه معلم از کلاس بیرون می‌رود، دانش‌آموز دیگری را کتک بزند، هنگامی که پلیس نباشد راننده‌ی خاطی از چراغ قرمز رد شود. این افراد آموخته‌اند که در حضور عوامل تنبیه‌کننده این رفتارها را واپس بزنند. بنابراین اثر تنبیه دائمی نیست.

۵. گفته شده که تنبیه به ارگانیسم نشان می‌دهد که چه کار نکنند، نه اینکه چه کار بکنند. یعنی وقتی که فردی را تنبیه می‌کنیم به اومی‌گوییم، چه کاری را انجام ندهد، برعکس تقویت که با تشویق کردن به او

مى فهمانيم كه كارش را ادامه دهد ولى تنبيه به او نمى آموزد كه چه كارى را انجام دهد، فقط او را از كارش باز داشته ايم. پس نقش تعليمى و تربيتى تشويق را ندارد و مانند تشويق منجر به يادگيرى نمى شود.

۶. وقتى از تنبيه استفاده مى شود، خاطره ناخوشايندى را در ذهن ايجاد مى كند و ممكن است در موقع ديگر انتقام بگيرد. يا لاقل كودك مى آموزد كه در بعضى موقعيت ها صدمه زدن به ديگران جايز است.

۷. تنبيه بدنى ممكن است باعث صدمه هاى جسمانى گردد. مثلا در برخى موارد معلمى كه دانش آموزى را كتک زده باعث ناشنوایى او شده است و عوارض نامطلوب ديگرى ممكن است به وجود بيايد.

۸. شخصى كه مرتب تنبيه مى شود احساس حقارت و خود كم بينى در او شكل مى گيرد و اين نگرش را كسب مى كند كه من به درد هيچ كارى نمى خورم. براى نمونه كودكى كه به سبب ريخت و پاش چيزها تنبيه مى شود، يك كودك گريه كن از آب در مى آيد. اگر اين تفكر به جود آيد، شخص حتى از استعدادى هم كه دارد، نمى تواند به نحو مطلوب به دليل احساس حقارتى كه به وجود آمده است استفاده نمايد. (اكبرى، پيشين)

امير مومنان على عليه السلام در مقايسه اى گرانبار بين تربيت انسان و حيوان چنين مى فرمايند: «ان العاقل يتعظ بالادب و البهائم لا يتعظ الا بالضرب. انسان عاقل به وسيله اى ادب تربيت و پندپذير است و تنها چهارپايان [و حيوانات] هستند كه جز با زدن اصلاح نمى شوند». تنبيه بدنى نه تنها ممكن است به تخريب شخصيت كودك بينجامد بلكه پيامدهاى ناگوارذيل از جمله آسيب هاى هولناك آن به شمار مى رود:

۱) تسليم شدن در برابر زور برتر (۲). خرد شدن شخصيت و احساس عدم امنيت (۳). از بين رفتن نشاط و سرزندگى ويژه اى كودكانه (۴). پيدايش صفت هاى ناپسند مانند دروغ گويى و فرافكنى (۵). از دست دادن انگيزه.

سخن غزالى نيز در اين زمينه آموزنده است كه خطاب به معلمان و مربيان كودك مى گويد: «بر معلم كودكان است كه آنان را به بيم و ترغيب تاديب نمايد نه به ضرب و تعذيب». (به نقل از اقليدى نژاد، دو عامل ارزنده در تربيتى سازنده)

#### ۵- راهبردهاى تربيتى جاگزين تنبيه بدنى كودكان

هيچ چيز مانند تشويق صحيح و بجا و به اندازه، كودكان را به تلاش و درست كارى بر نمى انگيزد. زيرا فطرت اصلى آدمى عشق به كمال مطلق است و فطرت تبعى او انزجار از نقص. تشويق و قدردانى؛ اصلى و تنبيه و مجازات؛ تبعى است و فقط آن هنگام مجاز است كه چاره اى جز آن براى بيدارى و اصلاح و مداوا نباشد و تشويق موجب رضائت كودك از رفتار خود بوده و باعث پيدايش شور و

نشاط و رفع ملالت و کسالت او می‌گردد و هم چنین سبب ایجاد حس توانمندی در کودکان می‌گردد و تشویق و قدردانی از عملکرد کودک باعث می‌شود که آنان در انجام دادن وظایف خود بیش از پیش کوشا باشند و تشویق مانند تنبیه دارای آدابی بوده که اگر درست اعمال شود نتیجه بخش، مثبت و رشد دهنده خواهد بود که پاره‌ای از این آداب عبارتند از:

۱. تشویق به عمل و صفت نیک شخص تعلق گیرد. ۲. تشویق بجا و به مورد و متناسب با میزان و نوع عمل باشد و به تناسب روحیه ی کودک نیز شکل تشویق مثل زبانی، مالی، رفتاری و معنوی مشخص شود. ۳. تشویق باید به موقع انجام گیرد تا تاثیرگذاری لازم را داشته باشد. ۴. تشویق به اندازه بوده و از حد مجاز آن تجاوز ننماید، در غیر این صورت باعث غرور و تباهی کودک می‌شود. ۵. تشویق وسیله ی برانگیختن است، برعکس تنبیه که وسیله‌ای برای تحقیر شمردن کودک به حساب می‌آید به ویژه اگر در ملا عام مجازات گردد. ۶. هنگام تشویق کودک، باید علل تشویق را به وی یادآوری نمود. هم چنان که در تنبیه نیز علل بروز واکنش رفتاری والدین به نام تنبیه را به کودک یاد آوری می‌کردیم تا بار دیگر شاهد رفتار ناشایست مستوجب تنبیه بدنی وی نباشیم. (دلشاد تهرانی، پیشین، صص ۳۵۹-۳۵۰)

هم چنین در تبیین راهبردهای جایگزین تنبیه بدنی می‌توان به جای مجازات کودک به خاطر کار نادرست او، کار درست را به او یاد بدهیم و به جای زبان تهدید به کودک توضیح بدهیم. به این ترتیب که با یک توضیح مختصر، علت زشتی رفتار او را روشن کنیم تا در ذهنش دلیلی برای تغییر رفتار وجود داشته باشد و به جای تمرکز روی اشتباه یا رفتار نادرست کودک که والدین را برای هیجان و عکس‌العمل احساسی آماده می‌کند، از هر یک از موارد خطای فرزندان به عنوان موقعیت خوبی جهت راهنمایی کودکان و فراگیری استفاده نماییم و با اصطلاح‌ها و الفاظ مناسب و تشویق کننده به کودکان خویش انگیزه داده و در رفتار با کودکان، والدین باید رفتار انعطاف آمیز داشته باشند و از لجاج بازی و زور آزمایی با کودکان پرهیزند و در رابطه با مجازات و تنبیه بدنی کودکان این سه قاعده را به یاد داشته باشند:

۱) هنگام عصبانیت از تنبیه پرهیزید. ۲) برای تلافی کردن یا انتقام گرفتن، تنبیه نکنید. ۳) همیشه تنبیه شدیدتر، مجازات بهتر نیست. (بی‌نا، این والدین خشن، ص ۲۹)

از نظر روان شناسان، تنبیه و تشویق دو روش تربیت است که برای رعایت مقررات و حفظ انضباط کودکان به کار گرفته می‌شود. تشویق یا پاداش در مواردی به کار می‌رود که رفتاری دلخواه و مطلوب از مربی سر بزند و بخواهیم آن رفتار تقویت و تکرار شود و به صورت عادت درآید. اما تنبیه در مواردی به کار می‌رود که رفتار مربی ناپسند و بر خلاف موازین دینی و مقررات است و می‌خواهیم آن را تضعیف یا خاموش کنیم. (حسنی، پیشین)

آکادمی متخصصان اطفال آمریکا تنبيه جسمی کودک به هرعلت را رد می کند و می گوید اینکار در دراز مدت به عنوان یک راهکار تغییردهنده ی رفتار کودک تاثیر بخش نیست. در عوض این آکادمی از راهبردهایی مانند «تایم آوت» پشتیبانی می کند که در آن هنگامی که کودک رفتار نامناسبی انجام می دهد، والدین او تنها می گذارند تا در مورد رفتارش و عواقب آن فکر کند. (به نقل از بی نا، تاثیر تنبيه بدنی بر پرخاشگری کودک) به عبارت دیگر، اگر رفتار کودکمان غیرقابل کنترل به نظر می رسد، در آن صورت ممکن است مناسب باشد که او را از گروه یا فعالیتی که باعث اختلال در رفتارش شده است جدا کرد و برای مدتی او را به حال خود گذاشت تا آرام بگیرد. (بی نا، ناهنجاری رفتاری کودکان، ص ۹)

در شیوه ی تربیتی اسلام، تشویق ده برابر تنبيه است. چنان که در روایات هم آمده است که هر شخص در ماه، سه روز روزه بگیرد، گویا همه ی ماه را روزه گرفته است. زیرا هر روزش ده روز حساب می شود. «عشر امثالها». تشویق چند برابر، ظلم نیست ولی کيفر بیش از حد ظلم است. «فلا یجزي الأمثلها و هم لا یظلمون». تشویق و تنبيه، هر دو سازنده و تربیت کننده است. «بالحسنات والسینات لعلهم یرجعون». تشویق باید بیش از تنبيه و مجازات باشد.

در بیان تربیت اسلامی به این نکته توجه شده است که تا زمانی که موعظه موثر باشد قهر و خشونت و تنبيه بدنی ممنوع است و تنبيه و کيفر از شئون ربوبیت است و جنبه ی تربیتی دارد. «طائف من ربک» و «عذاب ربک». هم چنین خداوند متعال در سوره ی فتح آیه ی ۸، بشارت و هشدار، تشویق و تنبيه را دو نیاز ضروری کودک و کل جامعه ی بشری برای رهایی و انتخاب راه آینده می داند و لذا بخشش و تنبيه از شئون ربوبیت هستند. «ان ربک لذو مغفره و ذو عقاب الیم».

از دیگر نکات تربیت در اسلام، تعادل در تشویق و تنبيه می باشد و تشویق و تنبيه در کنار هم باشند که تشویق مستمر خاصیت خود را از دست می دهد و در کنار تشویق نقاط ضعف را در جهت جبران به کودک یادآور شویم. مطابق با آیات و روایات هم تهدید، تنبيه و کيفر، یک سنت دائمی خداوند است و تشویق و تنبيه هر دو لازم دانسته شده است. (سوره روم، آیه ۴۴) از دیگر ابعاد تربیتی اسلام که می توان جایگزین تنبيه کودکان نمود این است که کودکانی که کار خوب انجام می دهند تشویق شوند و کودکانی که خطائی از آنان سر زده به فلسفه ی عدم تشویق خود پی ببرند. (سوره توبه، آیه ۸۱)

آموزه های دینی اجازه ی افراط و تفریط در مبحث تربیت را به والدین نمی دهد که هر طرفش خسارت به کودک است که یکی از عوارض آن به صورت تنبيه بدنی ظاهر می شود. چون انسان در نتیجه ی شرایط خاص زندگی خویش دارای نقاط قوت و ضعف است. نقاط قوت کودک را باید از همان ابتدا با تشویق های متنوع تقویت و نقاط ضعف را به سوی نقاط قوت مدیریت کرد، نه این که با تنبيه بدنی انگیزه ی کارهای مثبت را نیز در کودک از بین برد. در این میان، گاهی نیز به نظر می رسد که انگیزه ی

تنبيه بدنى کودکان، براى پذيراندن ارزش‌ها و معيارهاى مطلوب در نزد خانواده به کودک مى‌باشد. چون از روش‌هاى صحيح زود نتيجه نيمى‌گيرند، اقدام به تنبيه و نهادينه کردن اجبارى و ظاهرى ارزش‌ها در کودکان مى‌کنند که اين خود قربانى کردن ارزش‌ها و معيارهاى مطلوب در نزد کودک مى‌باشد. پس اين انگيزه و اين چنين روش‌ها نيز درآموزه‌هاى دينى ما جابى ندارند. البته لازم به يادآورى است که زمان و نحوه ي استفاده از تمام روش‌هاى تربيتى تابع ابتکار، قوه ي تشخيص و شناخت والدين و مربيان از اوضاع محيطى و شرايط روحى و روانى کودکان است و والدين و مربيان بايد در تشخيص روش درست به آن ها کمک کنند. (ميثاقى نژاد، تنبيه بدنى و کودک)

### نتيجه گيرى و پيشنهادها

با بررسى قوانين داخلى مشخص مى‌شود که آموزه‌هاى فقهى درمقابله باتنبيه بدنى کودکان چندان مورد توجه مقنن داخلى واقع نگرديده و اگر آموزه‌هاى دينى مورد التفات قرار گرفته فقط در حد يک ماده در قانون مدنى و قانون مجازات اسلامى به کار رفته است. اين در حالى است که برمبنای آموزه‌هاى فقهى، حساس‌ترين و مهم‌ترين دوران زندگى، دوره ي کودکى بوده و شخصيت آينده هرفردى درهمين دوران پايه گذارى مى‌شود و لذا والدين نقش بسزايى در تربيت و رشد کودکان خواهند داشت.

البته دراسناد بين‌المللى و قوانين مىلى اکثرکشورهاى متمدن و پيشرفته ي جهان تنبيه بدنى کودکان تقريباً ممنوع است و درديدگاه متفکران غربى نظير راسل نيز تنبيه بدنى صحيح نبوده و تربيت کودک بدون به کاربردن تنبيه بدنى توصيه شده است. براساس مبانى حقوق اسلام نيزتنبيه بدنى خطرناک‌ترين ابزار تربيتى کودکان بوده که حتى‌المقدور بايد از آن اجتناب نمود. با اين وجود اگر شيوه‌هاى ديگر تربيتى موثر نيفتد و چاره‌اى جز تنبيه بدنى کودک نباشد مى‌توان به قدر ضرورت و تحت شرايطى از آن استفاده نمود.

به هر حال اسلام تنبيه بدنى را عنداللزوم نه تنها مفيد مى‌داند، بلکه بدان دستور هم داده است و آموزه‌هاى دينى نشان از توانمندی دين اسلام در مقابله با تنبيه بدنى کودکان داشته و آن چه که در روايات نيز بسيار سفارش شده است اين که در صورت بروز خطا توسط کودک، گذشت و بخشش وى بهتر از تنبيه موثر خواهد بود. بنابراین از دیدگاه اسلام تنبيه بدنى يک روش تربيت اولى نيست تا در تمام حالت‌ها و موقعيت‌ها از آن استفاده کرد، بلکه از آن به عنوان يک شيوه‌ى تربيتى ثانوى مى‌توان نام برد و تنبيه به عنوان آخرين راه درمان و اصلاح رفتار تلقى شده و چون هدف از تنبيه در واقع، اصلاح رفتار و تربيت کودک است. لذا به کارگيرى و استفاده از اين روش بايد به گونه‌اى باشد که اصلاح کننده و موثر در تربيت کودک باشد و يا عامل بازدارنده باشد و اگر چنين نتيجه‌اى از تنبيه حاصل نشود نبايد مورد استفاده قرار گيرد. چراکه کودک تنبيه شده به فردى شکست خورده و بدبين

كه قدرت روحى خود را از دست داده است تبديل مى شود و زمينه براى بزهكارى و انواع انحرافها در آينده براى وي به وجود مى آيد. از اين رو پيشنهاده مى گردد:

- ۱- در راستاى پيشگيري از تنبيه بدنى كودكان توسط والدين ناشايست، ماده ۱۱۷۹ قانون مدنى كه تنبيه كودك را حق والدين دانسته و بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامى از آن جرم زدائى نموده است به طريق مقتضى اصلاح شوند.
- ۲- با حذف ماده ۷ از قانون حمايت از كودكان و نوجوانان ۱۳۸۱ و مجازات همهمى مرتكبان تنبيه بدنى كودكان كه در اغلب موارد متاسفانه خود والدين آن ها مى باشند، حداقل شاهد كودك آزارى قانونى نباشيم.

#### فهرست منابع

- قرآن كريم.

- ۱- آهنگران، محمدرسول: محدوده مجاز تنبيه بدنى كودكان از منظر روايات اهل بيت، نشریه علوم حديث، ش ۳، س ۱۳۹۰.
- ۲- ابراهيمى، محمد: تنبيه بدنى كودكان، قابل دسترس در سايت: [www.pajoohe.com](http://www.pajoohe.com)
- ۳- اسدى، ليلا سادات: كودكان بزهكار و بزه ديده در حقوق ايران، نشریه ندى صادق، ش ۳۰، س ۱۳۸۲.
- ۴- اقليدى نژاد، على: دو عامل ارزنده در تربيتى سازنده، مجله مبلغان، ش ۲۱، س ۱۳۸۰.
- ۵- اكبرى، مهرنوش: نقش تنبيه در تربيت از ديده گاه اسلام، نشریه پيام زن، ش ۲۰۱، س ۱۳۸۷.
- ۶- امينى، ابراهيم: آئين تربيت، انتشارات اسلامى، قم، ۱۳۷۶، چاپ شانزدهم.
- ۷- ايروانيان، امير و همكاران: كودك آزارى؛ از علت شناسى تا پاسخ دهى، انتشارات خرسندى، تهران، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- ۸- باوى، محمود: مشروعيت قانونى تنبيه كودكان، ماهنامه حقوق و اجتماع، ش ۲۰-۱۹، س ۱۳۷۹.
- ۹- بهشتى، احمد: اسلام و حقوق كودك؛ پژوهشى درباره حقوق طفل از ديده گاه اسلام و اعلاميه حقوق كودك، مركز انتشارات دارالتبليغ اسلامى، قم، ۱۳۵۴، چاپ دوم.
- ۱۰- بيگى، جمال: بزه ديده گاهى اطفال در حقوق ايران، نشر ميزان، تهران، ۱۳۸۸، چاپ دوم.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_: راهبردهاى حمايتى سازمان ملل متحد، ايران و اسلام در تايمين امنيت بزه ديده گان و شهود قاچاق انسان، نشریه علمى و پژوهشى فقه و حقوق اسلامى دانشگاه تبريز، ش ۱، س ۱۳۸۹.

- ۱۲- بی نا: این والدین خشن، ماهنامه آشنا، ش ۱۷۳، س ۱۳۹۰.
- ۱۳- بی نا: تاثیر تنبیه بدنی بر پرخاشگری کودک، قابل دسترس در سایت:  
<http://hamshahrionline.ir/news-105149.aspx>
- ۱۴- بی نا: ناهنجاری رفتاری کودکان، قابل دسترس در سایت [www.irpdf.com](http://www.irpdf.com)
- ۱۵- حبیبی، جواد: بررسی و تحلیل حقوقی و فقهی تنبیه دانش آموزان توسط معلمان، مجموعه مقالات همایش ملی حقوق مدارس، تدوین و تنظیم علیرضا داداش زاده وسید موسی حسینی، انتشارات چشمه سار قم، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- ۱۶- حجتی، سیدمحمدباقر: شرایط و کارآیی تنبیه در تربیت کودک و نوجوان، نشریه حوزه و دانشگاه، ش ۴۰، س ۱۳۸۳.
- ۱۷- حسینی، سیدجواد: تنبیه از منظر روایی، فقهی و روان شناسی، نشریه معرفت، ش ۳۳، س ۱۳۷۹.
- ۱۸- حسینی زاده، سید علی: تنبیه از دیدگاه اسلامی، مجله حوزه و دانشگاه، ش ۱۴، س ۱۳۷۷.
- ۱۹- حیدری نراقی، علی محمد: رساله حقوق امام سجاد(ع) شرح نراقی، انتشارات مهدی نراقی، قم، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- ۲۰- داوودی، محمد: نشست علمی جایگاه تشویق و تنبیه کودک و نوجوان، نشریه افق حوزه، ش ۲۱۹، س ۱۳۸۷.
- ۲۱- دلشاد تهرانی، مصطفی: سیری در تربیت اسلامی، انتشارات دریا، تهران، ۱۳۸۲، چاپ پنجم.
- ۲۲- دیوید انجل، ویلیام: قانون بین المللی حقوق جوانان، ج ۲، ترجمه علی اکبر تاج مزینانی، رضا مفیدی و فرامرز ککولی دزفولی، نشر روان، تهران، ۱۳۸۱، چاپ اول.
- ۲۳- رضایی، پرویز: تنبیه بدنی و مسئولیت های قانونی اولیاء و مربیان، روزنامه اطلاعات، ش ۲۰۵۸۸، س ۱۳۷۴.
- ۲۴- زینالی، امیرحمزه: ابعاد حقوقی و جرم شناسی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، ۱۳۸۸، چاپ اول.
- ۲۵- شکر، رضا و قادر سیروس: قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، نشر مهاجر، تهران، ۱۳۸۵، چاپ پنجم.
- ۲۶- شمیم: تنبیه بدنی و سوء رفتار با کودکان، قابل دسترس در سایت:  
<http://www.vista.ir/?view=context&id=8324>
- ۲۷- شهری، غلامرضا و سروش ستوده جهرمی: نظرهای اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسایل کیفری، ج ۱، روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۷۷، چاپ دوم.
- ۲۸- صفائی، سید حسین و اسدالله امامی: مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۹، چاپ یازدهم.
- ۲۹- صیدی، معصومه: در سوگ زندگی؛ بررسی پدیده کودک آزاری، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۶، چاپ اول.
- ۳۰- طارمی، محمدحسین: جرم شناسی فقهی و حقوقی کودک آزاری، قابل دسترس در سایت [www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)

۳۱- طبسی، محمد جواد: حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۰، چاپ چهاردهم.

۳۲- عباچی، مریم: رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه دیده، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، س ۱۳۸۴.

۳۳- فهرستی، زهرا و گلرخ نظری خاکشور: بررسی پدیده کودک آزاری از ابعاد حقوقی و ضرورت بازنگری، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، ش ۱۵، س ۱۳۸۷.

۳۴- قرائی، ثمانه: یک آیه و چند نکته؛ اذیت و آزار کودک از دیدگاه اسلام، نشریه بشارت، ش ۷۱، س ۱۳۸۸.

۳۵- قلیزاده کلان، فرض الله: تنبیه بدنی کودکان و راه‌های جایگزین، قابل دسترس در سایت: <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html>

۳۶- کاتوزیان، ناصر: قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵، چاپ سیزدهم.

۳۷- گروه سلامت سیمرغ: آیا تنبیه بدنی کودکان موثر است؟، قابل دسترس در سایت:

[www.seemorgh.com/health](http://www.seemorgh.com/health)

۳۸- موذن زادگان، حسنعلی: سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۳-۶۲، س ۱۳۸۷.

۳۹- موسوی بجنوردی، سیدمحمد: کودک آزاری، فصل نامه علمی و پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، ش ۳، س ۱۳۸۶.

۴۰- مهرا، نسرين: رویکرد جامعه شناختی - حقوقی به پدیده کودک آزاری، فصل نامه علمی و پژوهشی رفا اجتماعی، ش ۳۵، س ۱۳۸۹.

۴۱- میثاقی نژاد، مدیر اعظم: تنبیه بدنی و کودک، قابل دسترس در سایت:

<http://www.avaxnet.com/showthread.php?tid=2431>

۴۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، علی خالقی و امیرحمزه زینالی: حمایت کیفری از کودکان در برابر تورسیم جنسی، از منع جهانی تا واکنش نظام های کیفری داخلی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۰، س ۱۳۸۸.

۴۳- وزیري، مجید: حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۷، چاپ دوم.

۴۴- یاریگرروش، محمد: تنبیه و کودک آزاری، نشر دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۷۸، چاپ اول.

۴۵- یوسفیان ثانی، محبوبه: شیوه تنبیه، نشریه پیام زن، ش ۱۶۵، س ۱۳۸۴.

46- Report of the special Rapporteur of the Commission on Human Rights on the Question of Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or punishment, para.53 un Doc.A/ 57/ 173(2002).

47- [www.hawze.net](http://www.hawze.net)

48- [www.noorsoft.org](http://www.noorsoft.org)